

از تحلیل‌مان دفاع می‌کنیم ، اپورتونیست‌ها را افشا می‌کنیم

منبع وبلاگ تریبون مارکسیسم

۲۰۰۸/۵/۲۶

[/http://tmarxism.blogfa.com](http://tmarxism.blogfa.com)

۱- وبلاگ " تریبون مارکسیزم " یک وبلاگ وابسته به سایت "[تریبون جوان](#)" است . این سایت در جهت تقویت گرایش کمونیستی در بین جوانان و دانشجویان می‌کوشد و با هیچ یک از جریان‌ات موجود چپ ارتباط سازمانی و تشکیلاتی ندارد . این امر البته مانع آن نیست که در معرفی مقالات و مطالب و طرح دیدگاه‌های خویش ، از دیدگاه خاصی بهره‌نجوید .

۲- انتشار مقاله و تحلیل ما تحت عنوان " جنبش دانشجویی و چپ : وضعیت فعلی و گام‌های ضروری " باعث ایجاد های و هوی و کمپین تبلیغاتی وسیعی از جانب وابستگان جریان‌ات حکمتیست و اتحاد " کمونیسم کارگری " و برخی افراد دیگر و انگ زنی به ما به عنوان " پرووکاتور " و " پرونده ساز " و " همکار دستگاه اطلاعاتی " و ... گردید . ما پیش از انتشار این تحلیل ، صورت گرفتن چنین واکنش‌ها و ایجاد چنین جو تبلیغاتی ای را - که همگان می‌دانند که وجه مشخصه این دسته " احزاب " مهارت در به راه انداختن چنین امواجی در فضای مجازی است - پیش بینی می‌کردیم . ما آگاهانه دست به این کار زدیم ، از تحلیلی که انتشار دادیم دفاع می‌کنیم و محکم بر جای خود ایستاده ایم . ما نمی‌خواهیم گذر زمان و فاصله گرفتن از وقایع پیرامون ۱۳ آذر سال گذشته باعث شود که افتضاحی را که عملکرد و سیاست‌های فاجعه بار و ابلهانه رهبری حزب حکمتیست و وابستگانش در چپ دانشجویی داخل کشور به بار آورد به دست فراموشی سپرده شوند . بسیاری از فعالین چپ دانشجویی علنی دانشجویی داخل کشور بدون اینکه از چنین سیاست‌ها و اقدامات مفتضحانه ای با خبر باشند به تبعات مضر و منفی آن دچار شدند تا مدتها با این تبعات دست به گریبان خواهند بود . سیاست‌های جریان حکمتیست نباید بدون آنکه رسوا و افشا شود و به شکلی همه جانبه به نقد کشیده شود به بهانه های گوناگون به دست فراموشی سپرده شود . به ویژه آنکه بعضی مسببین گریز پای ایجاد این وضعیت و

پیش برندگان آن سیاستها با یک فرار به جلوی تمام عیار - که باز یکی دیگر از وجوه مشخصه این جریانات است - به عنوان "قهرمان" معرفی می‌گردند تا در دوره آتی به عنوان سرمایه ای برای تداوم سیاستهای ابلهانه و رجز خوانیهای حزب حکمتیست و جریانات مشابهش به کار گرفته شوند . همانطور که در متن تحلیل ذکر شده بود آغاز دور جدیدی از فعالیت چپ در جنبش دانشجویی و تثبیت یک سیاست و استراتژی کمونیستی واقعی در این جنبش جز از این طریق یعنی بررسی علل و بسترهای ایجاد وضعیت بحرانی کنونی و نقد بی‌تخفیف، شفاف و همه جانبه فرصت طلبان و ماجراجویان بی‌مسئولیتی که تحت عنوان "چپ" فعالیت می‌کنند (و جدا توصیف آنها با عناوینی نظیر چپ غیر کارگری، آوانتوریست، بلانکیست و ... بسیار نارسا و در حکم پوئن دادن به آنهاست و فقط عنوانی که بر ترکیبی از بلاهت، ماجراجویی، بی‌مسئولیتی محض و جاه طلبی دلالت کند می‌تواند بیانگر ماهیت آنان باشد). میسر نیست و اگر خود کمونیستها در انجام چنین وظیفه ای پیش دستی نکنند و یا با هر توجیهی در انجام آنها کوتاهی ورزند، فقط زمینه لازم را برای استفاده گرایشهای دست راستی و یا فرمیست از این موضوعات برای ضربه زدن به موجودیت اجتماعی کمونیسم فراهم آورده اند .

ما برای ارائه توضیحاتمان منتظر واکنش جریان حکمتیست بودیم . این به اصطلاح "حزب" که خود بهتر از همه از چند و چون افتضاحاتی که به بار آورده است آگاه است ابتدا مکثی کرد و سپس با مساعد دیدن شرایط و اوضاع بیانیه ای در این خصوص صادر کرد . این جریان جو تبلیغاتی نیم بندی را که عمدتاً از سوی برخی وابستگان پیشین خودشان و متحدین دو فاکتوییشان در جریان اتحاد "کمونیسم کارگری" ایجاد شده بود را فضای مناسبی برای یک فرار به جلوی دیگر و پنهان کردن و به محاق فرستادن مجدد کارنامه شرم آورشان و به تاخیر انداختن بررسی دقیق و شفاف این کارنامه از سوی کمونیستها تشخیص داد . سیر پیشروی این بحث نشان خواهد داد که محاسبات آنها در این زمینه تا چه اندازه درست بوده است . ما در اینجا و در پاسخ به مسایل مطرح شده به طرح - و صرفاً طرح - چند نکته بسنده می‌کنیم .

۳ - حکمتیستها و متحدینشان و برخی منتقدین بی اطلاع گناه اصلی ما را "انتساب فعالین علنی داخل کشور به یک جریان سیاسی غیرقانونی در اپوزیسیون" می‌دانند . برای واقعا خیلی عجیب و جالب است که جریانی مانند حکمتیست که همراه با قلوهای دیگرش اساساً مبدع چنین روشی در چپ ایران یعنی مصادره به مطلوب (و با ادبیات خودشان "ملاخور" نمودن) فعالیتهای سیاسی و اجتماعی داخل کشور بوده اند و در این زمینه ید طولایی دارند ما را به این امر متهم کنند . اینها زمانی که در فضایی آکنده از خود - تهییج گریهای سکتاریستی حاصل زحمات فعالین سیاسی و اجتماعی چپ در

داخل کشور و به ویژه اتفاقاً در جنبش دانشجویی و دانشگاهها را با غرور و گشاده دستی علنا و صراحتاً به حساب خود واریز می کردند و عملاً توجه و حساسیت دستگاههای امنیتی رژیم را به این مساله بر می انگیزتند ، تصور نمی کردند که این لقمه گنده تر از دهان و فراتر از ظرفیت و توان آنها است و در شرایطی مثل شرایط امروز - که سیاستهایشان در رابطه با جنبشهای اجتماعی (و به طور خاص جنبش دانشجویی به عنوان مهمترین منطقه نفوذ آنها) با شکست مطلق و بن بست کامل مواجه شده و بدنه جریانشان متلاشی گشته است - در گلویشان گیر می کند و آنها را زمین گیر می نماید . آن روزها اعتراضات بسیاری از فعالین سیاسی داخل و خارج از کشور و دلسوزان را که نگران امنیت فعالین داخل کشور بودند را نمی شنیدند و حالا که کار از کار گذشته و گند اعمالشان بالا آمده و نوبت بررسی کارنامه چند ساله شان رسیده است ، فریاد اعتراض سر داده اند . موارد زیر تنها مثالهای محدودی از گفته ها و نوشته های متعدد رهبران این جریان در این رابطه است که نشان می دهد اگر قبلی متوجه انتساب فعالیتها در داخل کشور به احزاب اپوزیسیون است ، خود جریان حکمتیست از همان روز تولدش به این اعمال قبیحه مشغول است و در صدر لیست مجرمین قرار دارد . ما از خوانندگان عزیز می خواهیم که سطور زیر را بخوانند و منصفانه قضاوت کنند :

- { در این مصاحبه با بهرام مدرسی ، مصاحبه کننده فواد عبداللہی است که مدتی سردبیر نشریه اصلی " حزب " مربوطه هم بود و در اینجا با هیجانی کودکانه و تعابیری سطحی از نفوذشان در دانشگاهها دم می زنند }

" فواد عبداللہی : دوست و دشمن میگویند که حکمتیست ها دانشگاه ها را در کل کشور قرق کرده اند . نظرتان در این مورد چیست؟

بهرام مدرسی : طبعاً خوشحالم که دوست و دشمن این را میگویند... فکر میکنم هر کسی که خودش را چپ یا کمونیست میداند، نمیتواند سروکارش با حکمتیست ها نیافتد... حکمتیسم از سروکول دانشگاه های کل کشور دارد بالا میرود و این هم شورانگیز است...

فواد عبداللہی : همین خیلیها را از کوره به در کرده است ، می گویند چپ در دانشگاهها مریخی است .

بهرام مدرسی : اینها را جدی نگیرید . این داستان همان گربه ای است که دستش به گوشت نمی رسید ... "

{ برگرفته از وبلاگ شخصی بهرام مدرسی در این لینک :

{ <http://bahrambahram.blog.com/2005/12> }

- " ... همانطور که بهرام مدرسی گفت حزب ما از نظر تاریخی در حدود ده ماه پیش تشکیل شد اما امروز یک واقعیت موجود فکری ، سازمانی و به خصوص اجتماعی است . یکی از نقاطی که این موجودیت محسوس است کانونهای فکری چپ و کمونیست در دانشگاههای ایران است . این به همت سازمان جوانان حکمتیست ممکن شده است . به همت کار همه رفقا چه در خارج و چه به خصوص در داخل کشور . این رفقای خوب ما تلاش کردند که تمایز خط مارکسیزم ، لنینیسم و حکمتیسم را از آنچه چپ سنتی به آن کمونیسم و کمونیسم کارگری می گوید نشان دهد ... "

{ کوروش مدرسی ، سخنرانی در اولین کنگره سازمان جوانان حکمتیست }

" ... در هفته گذشته جبهه ارتجاع قومی و ناسیونالیستی در ابعاد وسیع گشوده شد. اما این تنها جبهه نبود. از اعتراض دانشجویان در دانشگاههای تهران تا اعلام حضور گارد آزادی در مهاباد اعلام وجود جبهه آزادیخواهی و انسانیت و وجود جبهه مبارزه قاطع برای سرنگونی جمهوری اسلامی است ... "

"... احیای این امید و اراده این تصویر بدون دخالت گری روشن حکمتیستها در ۱۶ آذر و ۸ مارس و اول مه و اعتصاب عمومی مردم کردستان و حضور رهبران کمونیست و گارد آزادی در میان مردم و دهها فعالیت و کمپین موفق همچون کمپین ژیل و بختیار و آزادی برهان دیوارگر و مقابله با مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی و پیشرویهای نظری در انجمن مارکس - حکمت و حضور موثر در کانونهای فکری دانشگاهها و ارائه منشور سرنگونی ممکن نبود..."

{ رحمان حسین زاده عضو رهبری جریان حکمتیست ، بر گرفته از وبلاگ شخصی وی
{ <http://www.rahman-h.blogfa.com/8507.aspx> }

- " ... حکمتیستها در ۱۶ آذر سال گذشته دوباره با برافراشتن پرچم آزادی و برابری، امیدها را احیا کردند. از نظر ما مسئله اینست که جنبش و حزب ما دو حوزه فعالیتی داخل و خارج را با یک رهبری مشترك دارد... "

{ رحمان حسین زاده ، مصاحبه با نشریه " شهروند " ، - <http://www.rahman-h.blogfa.com/8506.aspx> }

- " ... روز دانشجو، ۱۶ آذر هر سال بمثابة یک مصاف تعیین کننده با جمهوری اسلامی عمل کرده است. ۱۶ آذر سالهای اخیر پیام آور آزادی و برابری بوده است . ما با سیاست و نقشه آگاهانه به استقبال این رویداد رفتیم و حضور موثر حکمتیست ها در ۱۶ آذر دو سال اخیر امیدوار کننده و مهم بود. دانشگاهها و محیط سیاسی جوانان: یک نقطه تمرکز اساسی فعالیت حزب در محیط دانشگاهها و

در تحرک دانشجویی متمرکز بوده است. بعد از جدایی و به همت کار متمرکز و موثر در ابتدا توسط سازمان جوانان حکمتیست و در ادامه توسط کمیته کل کشور و از همه مهمتر، به یمن همراهی اسکلت اصلی کادرهای کمونیست داخل کمونیسم کارگری، فعالیت ملموس و موثری در میان دانشجویان تهران و شهرهای بزرگ داشته ایم... " { رحمان حسین زاده ، <http://www.rahman-h.blogfa.com/post-15.aspx> }

"... در ابتدای ایجاد حزب سازمان جوانان حکمتیست و در ادامه کمیته داخل ابزار پیشبرد سیاستهایمان در داخل و در کانونهای فکری و سیاسی و مبارزاتی در جامعه و بویژه در میان جوانان و در محیط دانشگاه بوده است. گسترش ارتباطات، شکل دادن به کمیته های کمونیستی و تاثیر گذاری بر کانونهای مبارزاتی و تحرک اعتراضی بخش مهمی از پراتیک این دو سازمان حزب بوده است... " { رحمان حسین زاده ، <http://www.rahman-h.blogfa.com/post-15.aspx> }

۴ - ما نه تنها مخالف تحزب کمونیستی و گرایش سیاسی مشخص داشتن فعالین جنبشهای اجتماعی نیستیم بلکه همانطور که در متن تحلیلیمان نیز آمده بود ، نگران این هستیم که با استناد به این تجربه جنبش دانشجویی ، از جانب رفرمیستها و رفرمیستهای چپ نما این مضمون در سطح جنبشهای اجتماعی کوک شود که نفس تحزب کمونیستی و گرایش حزبی داشتن فعالین اجتماعی با فعالیت جنبشی آنان در تناقض قرار دارد . هیچ کمونیستی هم علاقمند به موضع گیری شداد و غلاظ علیه احزاب چپ در خارج از کشور نیست . اما لازم می دانیم با گرایشهای حاد سکتاریستی نیز در این میان قاطعانه برخورد شود . منظور ما از گرایشها حاد سکتاریستی آن گرایشهایی هستند که پیشبرد برنامه و منافع گروهی آنان در تناقض با اهداف جنبشی و اجتماعی فعالین کمونیست در داخل کشور قرار دارد و به بهای در خطر افتادن امنیت این فعالین و ایجاد اخلال در کار ایشان و عقب نشینی آنها از دستاوردهایشان تمام شود . به تعبیر دیگر منظور ما از گرایشهای حاد سکتاریستی جریاناتی هستند که به شکلی آشکار " ضد جنبشی " عمل می کنند و با تعقیب منافع خاص خود و ارجح دانستن آنها بر منافع جنبشهای اجتماعی جاری و با ماجراجوییهای ابلهانه ای که بر این مبنا انجام می دهند ، موقعیت چپ در سطح این جنبشها و جامعه را به خطر می اندازند . به اعتقاد ما از بین احزاب چپ موجود تا این لحظه به طور مشخص جریان حکمتیست مصداق چنین گرایشی است . استنادات ما هم وقایعی هستند که در سطح چپ دانشجویی در سال گذشته روی داد و نقش مخرب این جریان به نحو بارزی در

آن هویدا بود. این حزب عامل تعیین کننده در شرایط "ملاطم" یا "بحرانی" یا "انقلابی" در تحولات اجتماعی (که آن را بسیار نزدیک می‌دید) را به اصطلاح "گارد" مسلح حزبی خود می‌داند و عمده تبلیغات و فعالیتهای خود را تا مدتی پیش بر سر این مساله متمرکز کرده بود و برای پیوستن به آن چپ و راست فراخوان صادر می‌نمود (بعد از روی دادن اتفاقات سال گذشته به شکلی بی‌سر و صدا تبلیغات پیوستن به این به اصطلاح "گارد آزادی" از برنامه تلویزیونی جریان مربوطه حذف گردید و بحثی نیز در این رابطه از سوی رهبران جریان مطرح نمی‌شود). این جریان با پافشاری بر سیاست گسترش "گارد آزادی" به مناطقی غیر از کردستان به نحو احمقانه ای کوشید تا از نفوذ خود در بخشی از چهره‌های علنی و اجتماعی سرشناس و شناخته شده چپ دانشجویی و "دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب" در تهران در راستای تعقیب چنین سیاستی بهره جوید و بدین ترتیب به بازی و قمار خطرناک و احمقانه ای دست زد که ماتریال آن را امنیت و امکانات فعالین سیاسی و اجتماعی علنی چپ و دستاوردهای تحصیل شده توسط آنان در جنبش دانشجویی تشکیل می‌داد (در حالی که بخش عمده ای از این افراد به حزب مربوطه کوچکترین سمپاتی ای هم نداشتند). تعقیب چنین سیاستی توسط بخش محدود اما موثری از فعالین دانشجویی چپ همراه با این جریان باعث فراهم آوردن بستر وارد آمدن چنان ضربه سنگینی بر چپ دانشجویی شد که نتیجه آن عقب نشینی ای بود که امروز شاهد آن هستیم. داغ ننگ مسئولیت چنین افتضاحاتی باید بر پیشانی جریان مربوطه و رهبری آن حک شود و سیاستها و وابستگان آنان با توجه به این سابقه و به منظور جلوگیری از افتضاحات اینچنینی باید در سطح جنبشهای اجتماعی منزوی گردند. در متن تحلیل ما با تفصیل بیشتری به این نکات پرداخته شده است. ما فعلا از ورود به جزییات بیشتر در رابطه با رویدادهای سال گذشته خود داری می‌کنیم و ممکن است در ادامه این مباحثات به فراخور بحث به جنبه های دیگری از عملکرد فاجعه بار این "حزب" اشاره کنیم.

۵- برای آنان که در عالم واقعی سیاست در ایران پای بر زمین دارند و برای تمامی فعالین اجتماعی چپ در تهران و از جمله همه افراد بازداشت شده روشن است که با وقایع پیش آمده در سال گذشته و به طور خاص وقایع پیش آمده در داخل زندان (که خود داستان مفصلی است) دستگاههای امنیتی از حیث دستیابی به اطلاعات و آمار در این زمینه بی‌نیاز هستند و احتیاج به مفاد تحلیل ما برای تکمیل پرونده ها ندارند. در چنین شرایطی پنهان نگاه داشتن مسایل، رویدادها و علل به وجود آورنده چنین وضعیتی، و عدم ورود به فاز نقد و بررسی قاطعانه و شفاف مسایل به معنای در جا زدن در مرحله کنونی و تداوم این سرگیجه و سردرگمی جمعی، تداوم سیاستهای نادرست پیشین - گیریم در اشکالی دیگر -، تضعیف کلیت چپ دانشجویی و به فنا رفتن تدریجی زحمات نسل جدید مارکسیست ایران

در سالهای گذشته است است . بدیهی است که نفع برندگان از چنین وضعیتی تنها جریان حکمتیست و متحدین سیاسیش می باشند که می کوشند با ایجاد جو تهییج و " انقلابی " گری کاذب و مجازی و " قهرمان " سازی از افرادی که یا در مسئولیت پیشامد این وضعیت شریک هستند یا در زندان از لحاظ روحی خرد شده اند و بستن دهان منتقدین با برچسبهای " پرووکاتور " و " همکار اطلاعات " و " پرونده ساز " و ... مجددا قلاب خود را در این آب گل آلود آویزان کنند . در این میان تعدادی از دلسوزان ناآگاه نیز که از جزییات امور بی اطلاع هستند به جای کمک به ایجاد یک توافق جمعی در بین فعالین چپ برای منزوی کردن این جریان در سطح جنبشهای اجتماعی با همراهی عملی با آنان ، ایشان را در ایجاد فضای احساسی و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت یاری می دهند .

در شرایط کنونی اگر کسی قصد پنهان کردن علل وقوع رویدادهای سال گذشته را داشته باشد ، دیگر آن را از چشم دستگاههای امنیتی پنهان نکرده است بلکه عملا دارد خاک به چشم بدنه دانشجویان چپ به ویژه در شهرستانها می پاشد که از بخش عمده ای این وقایع بی خبر هستند و پس از وقایع سال گذشته در بسیاری جاها به عنوان " دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب " اعلام موجودیت نموده اند . فعالیت این بخش از دانشجویان چپ به واسطه ابزارهای خاصی در راستای منافع و سیاستهای این جریان قرار می گیرد (پرداختن به این " ابزارها " و واسطه ها و نحوه عملکرد آنها نیز بحثی جداگانه را می طلبد که ما در آینده به آنها خواهیم پرداخت .) این وضعیت باعث ایجاد چنان آسودگی خاطری برای لیبر " حزب " مورد اشاره شده است که در مصاحبه های خود دانشجویان را از فعالیت تحت عنوان " چپ " و " سوسیالیست " و " مارکسیست " بر حذر می دارد و از آنان می خواهد که به همان " آزادی خواهی و برابری طلبی " بسنده کنند !!

۶ - رهبران حزب حکمتیست در تبلیغات خود بر " تمرکز جدی برای جمع آوری کمک مالی در داخل کشور " به عنوان بخشی از " ابتکارات راهگشای تخفیف مشکل مالی حزب " تاکید داشتند (<http://www.rahman-h.blogfa.com/post-15.aspx>) . سر فصل دیگری از بررسی کارنامه این جریان به این مقوله (پرونده مالی این جریان) ، نوع " ابتکارات " مورد نظر آنها و ربط آن با کارنامه شرم آور این جریان در قبال جنبشهای اجتماعی اختصاص یابد که می توان در نوبتهای بعدی بحث به آنها پرداخت .

۷ - ادبیات ، سبک کار ، شیوه برخورد ، نوع مواجهه با مخالفین و سایر شئون فعالیت جریان حکمتیست و جریانات مشابه مدتهاست که فعالین چپ و کمونیست را به ستوه آورده است . این بار اما ماجراجوییها ، بی مسئولیتی ها و حماقتهای اینان به صفحات اینترنت محدود نمانده و امنیت و سلامت مبارزه فعاین چپ در ایران را با تهدیدی جدی مواجه ساخته است و منزوی ، ایزوله و به تعبیر خودشان " قرنطینه نمودن " این جریان در سطح جنبشهای اجتماعی (و به ویژه جنبش دانشجویی) را به یکی از شروط لازم پاگیری راهبرد کمونیستی در جنبشهای اجتماعی مختلف بدل ساخته است . ما یاری فعالین چپ و کمونیستی که با ما در این باور مشترک هستند را طلب می کنیم و دست آنها را در این مسیر به گرمی می فشاریم .

± نوشته شده در دوشنبه ششم خرداد ۱۳۸۷ ساعت ۱۰:۵۱ توسط تریبون مارکسیسم